

دلالت‌های هرمنوتیکی در آموزش ترجمه شفاهی و کتبی

فاطمه نظری^۱

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

نام نویسنده مسئول:

نام و نام خانوادگی

فاطمه نظری

چکیده

کار ترجمه و نیز متن ترجمه شده دارای انواع مختلفی هستند که از آن جمله می‌توان به ترجمه شفاهی و کتبی اشاره کرد. این دو نوع ترجمه از گذشته‌های دور رواج داشته است و دو گزینه اصلی کار ترجمه محسوب می‌شوند. این مطالعه از نوع کاربردی است که با استفاده از روش توصیفی تحلیلی انجام شده است. اطلاعات مورد نیاز از مطالعه منابع و جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی فراهم شده است. بررسی‌ها نشان داد که هر یک از انواع ترجمه شفاهی و کتبی به طور پیوسته و تنگاتنگ به هم مرتبط بوده و هر کدام دارای ویژگی‌ها و از تخصص‌های مختص به خود برخوردارند. همچنین هرمنوتیک در معنای جدید آن، نقش جدیدی در ترجمه ایفا نموده و باید دلالت‌های آن در آموزش هر یک از انواع ترجمه شفاهی و کتبی مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که هرمنوتیک در ترجمه شفاهی به واسطه هم‌زمانی به صورت غیرآگاهانه و در ترجمه کتبی به صورت فکورانه از سوی مترجم صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی: ترجمه شفاهی، ترجمه کتبی، دلالت هرمنوتیکی، فرآیند یادگیری

مقدمه

ترجمه، یک فرآیند ذهنی به شدت پیچیده و به عنوان یک فعالیت چالش‌برانگیز و دشوار محسوب می‌شود. بنابراین در صورتی که متدولوژی دقیق مورد استفاده قرار نگیرد، نتیجه‌ی به دست آمده از یک ترجمه با کاستی‌هایی روبرو می‌شود که در برخی موارد می‌تواند بسیار جدی باشد. یکی از مهارت‌های کلیدی که یک مترجم به آن نیاز دارد، دنبال کردن یک روند قدرتمند و مناسب در فرآیند ترجمه است. مترجمان حرفه‌ای آموزش دیده، بهترین روش‌های آموزشی را در طول دوره‌های آموزشی مترجمی گذرانده‌اند. در مقابل، کسی که به صورت حرفه‌ای آموزش ندیده باشد، بعید است که به خودی خود بتواند از یک روند ترجمه‌ی قابل اطمینان برخوردار باشد. این موضوع به ویژه زمانی که سخن از دو نوع ترجمه شفاهی و کتبی می‌گردد بسیار پیچیده‌تر و بااهمیت‌تر می‌گردد.

در برنامه ریزی آموزشی برای هر یک از انواع ترجمه شفاهی یا کتبی و ورود به مرحله آماده‌سازی ضرورت دارد که مترجم آمادگی تخصصی بیان مطالب و نیز تفسیر مفهومی متن، به صورت کتبی و شفاهی را داشته باشد. در این صورت، کارکرد حرفه‌ای ترجمه با هدف پدیدآوردن متن تخصصی شفاهی یا نوشتاری است. انجمن زبان‌شناسان، در مقام فعالان آموزشی با هدف گسترش ماهیت تخصصی زبان و آموزش مراحل کار ترجمه، امکان هماهنگ کردن اهداف و محتوای برنامه‌ریزی‌ها و تکنولوژی آموزش، تمرکز بر نقاط اصلی و اساسی آموزش تخصصی و آماده‌سازی متخصص در گستره زبان را فراهم می‌کند. مواردی که باید بر روی آن‌ها تمرکز شود عبارت‌اند از:

۱. درک و ارتقاء کامل فرهنگ زبان مادری (تسلط و دراختیارداشتن عرف زبانی و کاربرد رایج واژه‌ها و عبارت‌ها در زمان‌های مناسب و متفاوت)؛
 ۲. مطالعه زبان‌های خارجی (تسلط به هنجارهای زبان و بیان، استفاده مناسب از واژگان)، توسعه هرگونه فعالیت زبانی (ارتقا و افزایش قابلیت گیرایی و توانایی بالا برای فعالیت‌های مربوط به مهارت‌های شنیداری و خواندنی)؛
 ۳. بدست آوردن اطلاعات زبان علمی، کامل کردن آن و ایجاد درک فرهنگ عمومی واژه‌ها، بر اساس مقایسه نظام‌های معنایی زبان مادری (مقصد) و زبان خارجی (مبدأ) در متنی که ترجمه می‌شود؛
 ۴. توسعه و پیشرفت شاخص‌های حرفه‌ای زبان‌شناختی، معنایی، تفسیری، متنی، بینا فرهنگی و مهارت آزادی بیان.
- دست‌کم گرفتن اهمیت این نکات و اتخاذ رویکرد سنتی در آموزش زبان باعث می‌شود دانشجویان دوره‌های تخصصی ترجمه، اغلب هنگام بازیابی کلمات و کار بر محتوا و مفهوم متن، احساس درماندگی کنند. حقیقت امر این است که آموختن کامل یک زبان خارجی (به غیر از زبان مادری) بدون مطالعه فرهنگی و جامعه‌شناختی ممکن نمی‌باشد. مترجم تا مطالعه کامل در خصوص موارد ذکر شده نداشته باشد نمی‌تواند هنگام ترجمه به زبان خارجی مفهوم و احساس کامل متن ترجمه شده را بیان کند. یادگیری زبان بستگی به مطالعه فرهنگ و سنت‌های رواج یافته در جامعه دارد، که با مطالعه کامل ماهیت زبان یادگرفته شده برای مترجم آشکار می‌شود. در این راستا، برای مترجمان متخصص آینده، مرحله تسلط کامل به زبان، آگاهی از فرهنگ ارتباطات و شغلی، خلق هدف و مینا برای ایجاد انگیزه در اصول کاری و فعالیت حرفه‌ای، و طراحی نگرش آگاهانه به اهداف ضروری است. این مترجمان چنین ضرورتی را به منظور ارتقای سطح تسلط زبانی و تجربیات و مهارت‌های بیانی و ارتباط کلامی خویش پیش رو خواهند داشت. آن‌ها باید با قابلیت‌ها و مهارت‌های مورد نیاز مترجم حرفه‌ای آشنا باشند و کیفیت دانش زبانی و مهارت‌های خود را بسنجند (بازیابی و استخراج اطلاعات به‌دست‌آمده، استدلال، تفسیر و تعبیر، به‌خاطر سپردن، ساخت و ابداع کلمه، گوش‌فرادادن و مانند آن). همچنین باید به ایده‌های روشن خود در مورد قاعده‌های سخنوری و روابط عمومی شکل بدهند و در قبال هر سخنی که در زمان انتقال اطلاعات (زمان ترجمه) بیان می‌کنند مسئول باشند. آگاهی در این زمینه به دانشجویان در زمینه یادگیری و شناسایی مسائل آموزشی مشخص، در هر مرحله، کمک می‌کند، و برای تسلط حرفه‌ای بر زبان بیگانه، استراتژی فعال‌سازی و پویا کردن زبان مادری را پدید می‌آورد.
- هدف مطالعه حرفه‌ای زبان باید افزون بر همانندسازی و پدید آوردن آن باشد؛ باید برای یافتن موارد دارای مشکل، بیشترین جستجو و کاوش را داشت. این کار امکان ایجاد تفکر گسترده و تخصصی را به‌وجود می‌آورد و ظهور اقدامی حرفه‌ای و تخصصی محسوب می‌شود. این امر نه‌تنها موجب کسب مهارت در زمینه‌های همچون تلفظ، املا، واژگان، دستور، و کسب مهارت ارتباطی در زبان دیگر می‌شود بلکه سبب به‌دست آوردن تجربه بیشتر در سخنرانی به زبان مادری می‌شود و در این صورت، به شکل‌گیری رویکردی حرفه‌ای و تخصصی در فراگیری زبان می‌انجامد.
- نیاز به تحکیم پیوندهای بینارشته‌ای و مهیا کردن آموزش انواع مختلف ترجمه از جمله شفاهی و کتبی، امر بدیهی است. بدین ترتیب، ایجاد مهارت تخصصی و کسب دانش لازم در یک نوع از ترجمه تأثیرش را در نتیجه آموزش نوع دیگر ترجمه نیز نمایان می‌کند. افزون بر این، تعیین گستره مشکلات مشترک در هر دو نوع ترجمه و تلاش مشترک مدرسان برای حل آن‌ها — مانند مرحله انتخاب مواد آموزشی و گسترش سیستم تمرین و تکلیف در آموزش و، به‌طور مستقیم، در کلاس‌های عملی — مهم است. با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر به بررسی ارتباط بین آموزش ترجمه شفاهی و کتبی و دلالت‌های هرمنوتیکی در آن پرداخته است.
- در پژوهش حاضر، هرمنوتیک، به معنای نظریه تفسیر معنی می‌دهد به عنوان مثال، نظریه دستیابی به درک متون و گفتار و مانند آن. هرمنوتیک به ترجمه مرتبط است، بخاطر اینکه هیچ ترجمه‌ای بدون درک و تفسیر متون نیست و این قدم نخستین در هر نوع ترجمه است. تفسیر نامناسب به طور اجتناب‌ناپذیری به ترجمه نامناسب و یا ترجمه غلط منجر می‌شود. از دیدگاه گادامر هرمنوتیک بر دو قطبی بودن آشنایی و بیگانگی که بر پدیده ترجمه تأثیرگذار است، تأکید می‌کند. وی ترجمه را الگویی هرمنوتیک تمام عیار و الگوی تأویل می‌داند (۱). هرمنوتیک یک ارتباط دوجانبه است و زبان هم در هر ارتباط دارای نقش اساسی در انتقال پیام است. بنابراین در هرمنوتیک تعامل و زبان از عناصر برجسته است.

در زمینه دلالت‌های هرمنوتیک در ترجمه، تحقیقات ارزشمندی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است که در ادامه به تشریح چند مورد از مهمترین آنها پرداخته می‌شود:

استولز^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی که با عنوان «روکرد هرمنوتیکی به ترجمه» انجام داد، با این نتیجه همراه بود که ترجمه از طریق رویکرد هرمنوتیکی بر مسئولیت بزرگی دلالت دارد. تفسیر و ترجمه تا حدودی انتزاعی و ناکامل است، اما خوانندگان گمان می‌کنند که محتوای متن ترجمه را به صورت کاملاً درست و مطابق با متن اصلی دریافت می‌کنند. به همین خاطر، مترجم به نگرش کل گرایانه در متنی که قرار است ارایه کند نیاز دارد و برای همین هدف، لازم است که ترجمه به عنوان جنبه‌های ادبی و بلاغتی تولید متن مورد ملاحظه قرار گیرد. وی همچنین در تحقیق خود به این نتیجه رسید که فعالیت ترجمه، یکپارچگی و ادغام ابعاد پیچیده و گوناگون است (۲).

شای^۲ (۲۰۰۷) در پژوهش خود با عنوان «هرمنوتیک و نظریه ترجمه» به بررسی دلالت‌های هرمنوتیک در ترجمه پرداخت. پژوهش وی به این نتیجه انجامید که درک صحیح از یک گفتمان ادبی، گام نخست و اساسی در هر ترجمه است و برای اینکه فهم مناسبی از آن داشته باشیم باید سه عامل نویسنده، متن و خواننده را مورد ملاحظه قرار دهیم و به حساب آوریم، به نحوی که معنا به بهترین صورت تعیین شده باشد و ترجمه صحیحی انجام گیرد (۳).

در پژوهش دیگر، پارلوگ^۳ (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان «ادبیات تحولی: هرمنوتیک ترجمه» به بررسی نقش هرمنوتیک در فعالیت ترجمه پرداخت. پژوهش وی با این نتیجه همراه بود که ترجمه انتشار یافته به نظر می‌رسد که گفتمانی را بین نویسنده و مترجم ارایه دهد. مترجم اغلب با ویژگی‌هایی نظیر بی‌دقتی و حذف محکوم می‌شود. گفتگوی نویسنده- مترجم اغلب اوقات به تک‌سخن‌گویی‌های موازی می‌انجامد که در آن سبک کار اصلی بدون نتایج خواسته شده انتقال می‌یابد (۴).

در این راستا، خرم‌اندر و کریم‌نیا^۴ (۲۰۱۳) در پژوهش خود با عنوان «اصول ساخت یک مدل هرمنوتیک برای ترجمه شعر» دریافت که ارتباط قوی و تردیدناپذیری بین هرمنوتیک و ترجمه شعر وجود دارد و باید از رویکردهای پست مدرن برای ترجمه متون بهره گرفت (۵).

روش تحقیق

پژوهش مورد نظر، از نوع کیفی است یکی از ویژگی‌های عمده ی تحقیق کیفی این است که به بررسی یک مسئله به صورت عمیق پرداخته و با تعقل، استدلال، تفکر و منطق در مورد مسئله به تجزیه و تحلیل می‌پردازد. روش به کار برده شده، روش توصیفی-تحلیلی خواهد بود. توصیفی از این جهت که در استخراج روش‌ها از روش استنباط استفاده می‌شود. استنباط در تحقیقات به عنوان استخراج دلالت‌ها و شاخصه‌هایی در خصوص موضوعات اصلی و فرعی شناخته می‌شود. در این راستا نخست به تعریف و بررسی دو نوع ترجمه شفاهی و کتبی و ویژگی‌ها و آموزش آنها و سپس نقشی که هرمنوتیک در ترجمه ایفا نموده و در آموزش بایستی مورد توجه قرار گیرد پرداخته می‌شود.

ترجمه شفاهی و کتبی

نخستین بار تفاوت اصلی و واقعی بین دو ترجمه (شفاهی و کتبی) را شلایرماخر^۴، فیلسوف آلمانی، در سخنرانی خود با عنوان «روش‌های گوناگون ترجمه»، در سال ۱۸۱۳ مطرح کرد. وی را نخستین فرد در زمینه «رده‌بندی دانش ترجمه» می‌نامند — در کارهای علمی او گونه‌های متعدد طبقه‌بندی و روش ترجمه مشاهده می‌شود. از دیدگاه این دانشمند آلمانی، تفاوت اصلی میان ترجمه شفاهی و کتبی در مؤلفه خلاقیت ویژه هر گونه ترجمه است که خود این مؤلفه به متون ترجمه بستگی دارد.

موردی را که او خاطرنشان می‌کند این است که مترجم شفاهی در یک محیط و زمینه کاری (تجاری-صنعتی) خاص فعالیت می‌کند، اما کلمه مترجم، در مفهوم واقعی و کلی آن، یعنی کسی که در زمینه دانش و هنر فعالیت دارد (۶). از دیدگاه علم زبان، تفاوت این دو نوع

^۱ - Stolze

^۲ . Shi

^۳ . Parlog

^۴ . Friedrich Daniel Ernst Schleiermacher: (۱۷۶۸-۱۸۳۴) فیلسوف، متخصص الهیات و مترجم آلمانی.

ترجمه (شفاهی و کتبی) در این است که، تا چه حد در متن اصلی (مبداء) هویت زبانی نویسنده متن آشکار شده باشد: هر چقدر نویسنده نقش کمتری در خلق مطلب داشته باشد، نقش ترجمه به عنوان ابزار درک محدود می شود و مشروط به زمان و مکان خواهد بود، این کار بیشتر نشانگر مطالب ترجمه شفاهی می باشد. برعکس هر چه کمتر چشم انداز خود و دیدگاه شخصی خود از محیط پیرامون و بیانات واقعی در نوشته اش باشد، او در انتخاب های نوشتاری (بیانی) خود آزاد تر بوده است، و نوشته ی او بیشتر در حوزه ادبی است، و مترجم در این مواقع باید دارای توانایی و مهارت بالایی باشد و به طور کلی لازم است از طرق مختلف به روح نویسنده و زبان او نفوذ کند. بدین ترتیب، شلایرماخر پیچیدگی درک، یعنی نفوذ به محتوا و متن اصلی و بیان محتوا با ابزار زبانی ترجمه، را به ترجمه کتبی مرتبط می کند؛ در حالی که از نظر او، ترجمه شفاهی بسیار ساده تر است و حتی نمی توان نام آن را «ترجمه، به مفهوم دقیق آن» گذاشت.

هر یک از انواع ترجمه های یادشده مجموعه ای از ویژگی های نامتجانس را در بر می گیرد. در روند ترجمه، برای مترجم شفاهی و مترجم کتبی عواملی همچون سازوکارهای روانشناختی زبانی، ویژگی ها و خصوصیات سبک مواد زبانی که در دست ترجمه می باشد و همچنین نوع متن، متفاوت می باشد. همه انواع ترجمه شفاهی، در شرایطی صورت می گیرد که کمبود زمان به شدت احساس می شود؛ به همین علت، این کار، افزون بر دانش و مهارت های تخصصی و حرفه ای، نیازمند استقامت و ثبات روانی بسیار است. به عبارتی، آن گاه که درمورد حرفه این مترجمان شفاهی صحبت می شود، کیفیت ترجمه های شفاهی جایگاه نخست را به خود اختصاص می دهد. ترجمه های شفاهی باید ویژگی هایی همچون پیوستگی، همگام و همزمان بودن، هماهنگ بودن تصویر با ترجمه، ترجمه متن محور، ترجمه فراگیر و عمومی (ترجمه ای با هدف آسان کردن ارتباط میان مسئولان و مخاطب در جامعه در مورد مسائل اجتماعی) داشته باشند.

ترجمه کلمات نوشته شده، فنونی کاملاً متفاوت از ترجمه شفاهی (همزمان) دارد. و مترجمین حرفه ای می توانند در ترجمه شفاهی (همزمان) شب را به روز تفسیر کنند. به همین دلیل به ندرت افرادی را می توان یافت که در هر دو حیطه ترجمه کتبی و یا همزمان فعالیت کنند. وقتی مترجم قلم بر کاغذ می نهد، می بایست با وفادار ماندن به محتوا، به درستی و با صداقت، ایده های متن زبان خارجی را با سبک و شکل اصلی بیان کند. مترجم متن را مورد نقد و بررسی قرار می دهد و برای شناسایی معانی با پیچیدگی های آن متمرکز می شود. این فعالیتی است که نیاز به زمان زیادی دارد و برای اطمینان از درک صحیح باید بازنویسی شود.

مترجمان شفاهی (همزمان)، درواقع میتوانند به شیوه ای هنرمندانه و با توجه به محدودیت هایی که در ترجمه از لحاظ زمان و یا کمبود زمان دارند، با کلمه گفته شده برخورد کنند. در ترجمه شفاهی/همزمان مترجم باید در یک زمان هم گوش دهد و هم پیام را انتقال دهد که این مستلزم استفاده از تکنیک های مخصوصی است. استفاده از تکنیک های گوش دادن، یادداشت برداری، تنظیم کردن واحدهای اطلاعاتی زبان خارجی به نکته، از ضروریات است. درواقع بزرگترین چالش در ترجمه همزمان این است که در سریع ترین زمان، درک، تجزیه تحلیل، و فرمول بندی دقیقی از یک زبان به زبان دیگر ایجاد شود. مترجم همزمان بلافاصله از شنونده به گوینده تبدیل می شود بدون این که هیچ زمانی برای تصحیح اشتباهات داشته باشد و بدون اینکه هیچ کنترلی بر سخنرانی و یا متن آن داشته باشد. پس جایی برای اشتباه باقی نمی ماند.

ترجمه شفاهی، از لحاظ محدودیت زمانی، با ترجمه کتبی تفاوتی اساسی دارد. ترجمه کتبی مترجم را در شرایط و چارچوب کمبود وقت قرار نمی دهد و با توجه به داشتن وقت کافی، جایگزین کردن بهترین معادل در زبان مبدأ و کنترل کیفیت متن را ممکن می کند. ترجمه کتبی اغلب مختص متن های خاصی است. در وهله نخست، این مورد به متونی مربوط می شود که ویژگی های "متن حقوقی" (مربوط به علم حقوق) را دارند. به همین علت، مترجمان دفاتر اسناد رسمی و مترجمان رسمی دادگستری دارای مهر شخصی و نیز مجوز (گواهینامه) خاص و متفاوت اند که توانایی کامل آن ها را تأیید می کند. مترجمان در شرکت ها و کارخانه ها و مراکز فعال در زمینه فناوری و تولید، فعالیت تخصصی خود را دارند. برخی از مترجمان نیز در حیطه ادبیات مشغول اند. این افراد از خلاقیت و ذهن قدرتمند و پتانسیل و ظرفیت بالا در نویسندگی و دانش تخصصی ادبیات برخوردارند. با این حال، شایان ذکر است که ضرورت کنونی ترجمه کتبی در دنیا بسیار احساس می شود و لازم است که بیشتر مترجمان، در زمینه های گوناگونی، توانایی گسترده ای داشته باشند و بتوانند متون متنوع را، با موضوعات و ساختار های گوناگون، ترجمه کنند (برای اکثر مترجمان لازم است که تسلط برای ترجمه هرگونه متن (متون عمومی با هر زمینه ای) با موضوعات مختلف را داشته باشند). ویژگی هایی همچون انعطاف پذیری، توانایی هوشمندانه و آگاهانه در تمرکز از زبانی به زبان دیگر، عادت به فراگیری اصطلاحات و کلمات کاربردی جدید باعث می شوند مترجم هرگونه متنی را به سرعت تفسیر و ترجمه کند.

نمی شود انکار کرد که مترجم کتبی، در مقایسه با مترجم شفاهی، فرصت و امکان بیشتری برای وارد کردن دیدگاه های خود به عنوان کسی که محتوایی به مفاهیم نگاه می کند را دارد (۷). این فرصت ها و امکانات باید به کار گرفته شوند، نه تنها به عنوان دلیل و توجیه منطقی برای وجود نیاز مبرم و تضمین کیفیت مطالب ترجمه شده، بلکه به عنوان تکیه گاهی برای آماده سازی موضوع به منظور انجام دادن کار و رفع

مشکلات پیش‌روست. مترجم شفاهی، پیش از آغاز کار، باید آموزش و آمادگی کامل داشته باشد. برای این آمادگی، نیاز است در ذهن او پایگاه و مرکز اطلاعات جامع و ماندگاری ایجاد شود. چنین آمادگی و آموزشی وی را برای ترجمه انواع متون تخصصی آماده می‌کند و برخی از این موارد در ترجمه کتبی نیز به کار می‌رود.

مطالب و متون مرتبط با هم را می‌توان در هر دو نوع ترجمه ترکیب و ادغام کرد. برای مثال، از متن‌هایی که قابلیت ترجمه شفاهی دارند می‌شود به این موارد اشاره کرد: گزارش‌های علمی، معرفی محصولات (کالا، تجهیزات، ...)، اخبار، مذاکره‌ها، مصاحبه‌های فعالان سیاسی، سخنان نمایندگان سازمان‌های گوناگون، سمینارها، کارگاه‌های آموزشی. دسته‌ای از مطالب ترجمه شفاهی ویژگی‌هایی دارند که سبب می‌شود بتوان آن‌ها را به صورت کتبی نیز ترجمه کرد. این دسته از مطالب عبارت‌اند از: متن گزارش‌ها، مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها، دفترچه راهنمای دستگاه‌های صنعتی، متن آگهی‌های تبلیغاتی، کاتالوگ‌ها، اطلاعات وبسایت شرکت‌های برجسته و بزرگ، مطالب چاپ‌شده در نشریات، یادداشت‌های برگرفته از روزنامه‌ها، فرامتن (آبرمتن)، مکاتبات اداری و کاری، قراردادهای، مدارک رسمی برای پیگیری و انجام دادن کارها، اسناد و مدارک فنی، اطلاعاتی مطبوعاتی، موارد خبری، مطالب انتشار یافته سخنگویان.

تقویت آثار مثبت روند آموزشی این امکان را ایجاد می‌کند که واژه‌نامه اصطلاحات تخصصی^۵ در هر حوزه از دانش تهیه و تنظیم شود. این یکی از ارکان اصلی است که بعدها هنگام ترجمه شفاهی کاربرد دارد. تکرار و تداوم این امر به معنا و مفهوم سخن مربوط می‌شود که بخش اساسی و ابزاری مهم برای مترجم آینده به‌شمار می‌رود. این امر سبب می‌شود مترجم آینده، برای حرفه‌ای بودن و برجسته‌بودن، تمریناتی در زمینه‌های گوناگون کاربردی- سبکی داشته باشد و با تغییر و تحول و بازگویی متن به شکلی دیگر، در آن دخیل و تصرف کند؛ برای نمونه:

- انتقال از فرم شفاهی به نوشتاری و برعکس (انتقال مطالب نوشتاری داستان و مطلبی که به صورت شفاهی شنیده شده یا مونولوگ‌های بیان‌شده)؛

- انتقال از دیالوگ به مونولوگ، از حکایت و روایت به یادداشت خبری و ...؛

- انتقال متن گفتگو به صورت سبکی خاص در ادبیات (ترجمه گفتگوهای روزمره به صورت گفتگوهای رسمی و تجاری)؛

- انتخاب معادل‌های مناسب با حالت و شرایط گفتگو و ارتباط زبان مادری با زبان خارجی؛

- توضیح و تفسیر مفاهیم متن اصلی از نظر ارتباطات میان فرهنگی.

این تمرین‌ها کمک می‌کند دانشجویان، از همان ابتدای آموزش، از میان سبک‌های متفاوت کاربردی سبک گزینی کنند، با استفاده آگاهانه و متناسب کلمات و عبارات، هنگام ساخت جمله زمان ترجمه — ترجمه نباید بر اساس دایره واژگانی (بصورت لغت به لغت) باشد بلکه با استفاده از شرایط و موقعیت ارتباطی مشخصی — انجام شود (یعنی واژه‌به‌واژه ترجمه نکنند بلکه مفهومی کلی از موقعیت ارتباطی خلق شده را بیان کنند).

هنگامی که مطالعات دانش ترجمه به منزله دانشی مستقل شکل گرفت، به ترجمه شفاهی و کتبی (نوشتاری) با دیدگاه متفاوتی نگریسته شد؛ ویژگی‌های روان‌شناختی ترجمه و در اصطلاح «مکانیسم ذهنی» و عملکرد ویژگی‌های آن در انواع گوناگون ترجمه در مرکز توجه قرار گرفت. همان‌طور که در طبقه‌بندی مترجم برجسته روس، بیلاروچف^۶، مشخص شده است، آنجا که پنج پارامتر اصلی شرایط و موقعیت مترجم را مشخص می‌کند (درک پیام، ذخیره‌سازی، تغییر از زبانی به زبان دیگر، درج و ثبت ترجمه، نظم‌دادن به روند ترجمه) میزان دشواری هر دو گونه ترجمه (شفاهی- کتبی) را نشان می‌دهد. از میان مشخصه‌ها برای تعیین پیچیدگی یا سهولت ترجمه، گونه کتبی هیچ یک از این عوامل را، که می‌توان «عامل پیچیدگی» نامید، دارا نیست؛ در حالی که در ترجمه هم زمان، به هر مشخصه می‌توان اشاره کرد. ترجمه از روی متن، که آن را ترجمه «بصری- کلامی» می‌نامند، جایگاه میانی را در این زمینه به خود اختصاص می‌دهد زیرا دارای چهار ویژگی پیچیدگی و سه ویژگی سهولت است (۸). این نوع ترجمه «بصری- کلامی» به دلایل ذیل پیچیده محسوب می‌شود: وجود محدودیت زمانی برای تغییر زبان، شفاهی بودن و اینکه فقط یک‌بار فرصت طراحی و شکل‌دهی جمله ترجمه‌شده وجود دارد، و در نهایت، ضرورت

۵. glossarium

۶. Rurik Miniar-Beloruichev: (۲۰۰۰-۱۹۲۲) مترجم مشهور و مدرس دانشگاه که سهم بزرگی در علم تئوری و پراکتیک ترجمه داشته است. وی بنیانگذار مکتب (سبک) مدرن ترجمه و تدریس ترجمه در دانشگاه نظامی زبان‌های خارجی بود.

همگام‌سازی دریافت بصری و بیان شفاهی آن (ترجمه). دلایل آسان بودن آن عبارت‌اند از: بصری بودن، امکان برداشت و درک چندباره پیام متن اصلی، امکان به راحتی به خاطر سپردن آن. بدین ترتیب، ترجمه از روی متن (در دسترس) ویژگی‌هایی مشترک با ترجمه کتبی (نوشتاری) دارد و ترجمه هم‌زمان یکی از سخت‌ترین انواع ترجمه به‌شمار می‌رود. بی تردید، ترجمه هم‌زمان نیازمند آمادگی تخصصی و حرفه‌ای است؛ به همین علت، گنجاندن آموزش ترجمه هم‌زمان، به صورت دوره آموزشی مستقل در برنامه‌ریزی‌های آموزشی تربیت مترجم، طبیعی و ضروری به نظر می‌رسد.

افزون بر آن، ترجمه از روی متن (در دسترس) یکی از تمرین‌های آمادگی اساسی برای گسترش دامنه مهارت هم‌زمانی در ترجمه محسوب می‌شود. در این روند ترجمه از روی متن، مهارت هم‌زمانی (همپایگی با متن اصلی)، کاربرد انواع گوناگون عبارات، درک بصری، خواندن نوشتار به یک زبان و بیان شفاهی آن در جریان ترجمه به زبان دیگر افزایش می‌یابد. در این صورت درک (دریافت مفهوم) و باز تولید بخشی از متن در حال ترجمه از نظر زمان منطبق نمی‌شود: مترجم چیزی را بیان می‌کند، که خواننده و ترجمه کرده، اما در زمان بیان، عمل خواندن ادامه دارد و ترجمه آن بر اساس مطالب درون ذهن اوست (مفهومی می‌باشد) و ترجمه را ادامه می‌دهد.

نیکلای گاربوسکی^۷ و الگا کاستیکووا^۸ قواعد آموزش ترجمه از روی نوشته را تعیین کرده‌اند که به شرح زیر است (۹):

- بیان ترجمه ی متن داده شده (ترجمه از روی متن): با چشم خواندن چند سطر پشت هم توسط مترجم در زمان ترجمه و هرچه مترجم بیشتر بتواند متن با چشم بخواند (چند خط بعدی آن را هم‌زمان درک کند و ترجمه نماید)، ترجمه از متن اصلی موفقیت‌آمیزتر خواهد بود، احتمال کمتری برای اشتباه ناشی از پیچیدگی ساختار جملات پیش خواهد آمد، و درصد خطا از درک مفهوم متن و معنای کلمات و دستور زبان کمتر می‌شود.
- انسجام در بیان جمله: هنگام بیان متن ترجمه‌شده باید وقفه یکسان بین بخش‌های جمله باشد. متن ترجمه‌شده باید هموار و یکدست باشد. نباید بخش‌های ترجمه‌شده متن را با پالس^۹ بیان کرد. مترجم باید ترجمه را به سرعت بیان کند و برای مدتی (چند لحظه)، به دقت در مورد بخش بعدی بیندیشد. باید مطلب را روان، شمرده و با سرعت مناسب (بدون وقفه‌های طولانی میان جمله‌ها) بیان کند. مکث و وقفه‌های موجود در بیان جمله‌ها باید منظم باشد؛ حتی در قسمت‌هایی از متن که مفهوم واضح و روشن دارد. چنین شیوه‌ای این امکان را به مترجم می‌دهد درک محتوای بخش بعدی متن را پیش‌بینی بکند و شکل بازگویی به زبان مقصد را بیابد.
- پرهیز از آغاز دوباره یک جمله: اگر مترجم متوجه شد جمله ترجمه‌شده چندان درست نیست، باید بکوشد جمله را به گونه‌ای به پایان ببرد که کامل و خاتمه‌یافته باشد و نیز، با ترفندی نامحسوس و ظریف اصلاحات و مبهملات را در جمله بعدی رفع کند (حتی به بهای افزودن مطلب به ترجمه)؛ طوری که اصلاحات صورت گرفته طبیعی و منطقی به نظر برسد. این اصلاحات، در زمان ترجمه، نباید به دفعات انجام شود زیرا محسوس و بارز می‌شود (باید به ندرت انجام گیرد). جملاتی که حمل بر خودستایی می‌شود، همانند «نه»، «این‌طور نیست» و معادل آن‌ها در زبان‌های خارجی دیگر (Not this way No) باید تمام و کمال حذف شود.
- تلاش برای استفاده از تکنیک‌ها و روش‌های فشرده کردن گفتار: فشرده‌سازی گفتار، زمان اختصاص یافته به بخش‌هایی که برای درک و بیان بهتر برخی عبارات و اصطلاحات افزوده شده یا زمانی را که برای اصلاح ترجمه‌ای نادرست و نارسا صرف شده است جبران می‌کند.

۷. N.K. Garbowski: (۱۹۴۶-)، دکترای علوم آموزشی، مدیر مدرسه عالی ترجمه دانشگاه دولتی مسکو. تخصص اصلی علمی‌اش تئوری، تاریخچه و

روش ترجمه بود.

۸. O.I. Kostikova: دانشیار و استادیار دانشگاه دولتی مسکو در رشته ترجمه.

- جلوگیری از ایجاد اختلال هنگام بیان ترجمه: شیوه ترجمه شفاهی باید مانند گفتگویی معمولی باشد. هیچ تردید و تغییر حالتی نباید هنگام سخن گفتن وجود داشته باشد.
- هنگام آموزش ترجمه شفاهی، باید مهارت اجرایی (عملی کردن) عملیات اصلی روند ترجمه را، که باید در درون مترجم غالب باشد گسترش دهیم؛ به ویژه:
- مهارت استفاده خودکار (اتوماتیک) از گنجینه واژگان (افزوده لغت) و اصطلاحات کلیشه‌ای
- مهارت در تغییر زبان (سوئیچینگ)^{۱۰}؛
- مهارت شنیدن (گوش دادن) مطالبی که در سخنرانی‌ها بیان می‌شود؛
- مهارت انجام دادن دو عملیات ارتباطی (خواندن و گفتگو، شنیدن و گفتگو)؛
- مهارت تقسیم‌بندی^{۱۱} (دسته‌بندی) روند صحبت و جریان مکالمه؛
- مهارت فشرده کردن بیانات و سخنان؛
- مهارت به‌خاطر سپردن مفهوم سخن، در مدت زمان (طولانی) بیانات؛
- مهارت در به‌کارگیری الگوها و مدل‌های بیان؛
- مهارت شکل‌گیری جریان معنایی و منطقی- نحوی؛

ترجمه در معنای اولیه و ساده آن، برگرداندن معنای یک مطلب از یک زبان به زبان دیگر است. اما در معنای دقیق‌تر، ترجمه تنها برگردان فکر و اندیشه نویسنده نیست. وقتی مترجم دست به ترجمه یک متن می‌زند ابتدا باید خوب اندیشه نویسنده و لایه‌های زیرین ساختار فکری او را درک کند و آن را در ذهن و اندیشه خود جای دهد تا بتواند همان را در زبان و قالب واژگانی و دستوری دیگری با همان مضمون ارائه کند. بنابراین مؤلف و یا حتی مخاطب نمی‌توانند هیچ قید و بندی برای فهم مترجم ایجاد کنند. اگر چه جستجوی نیت مؤلف و در نظر گرفتن مخاطبین از نظر سطح فکر، سواد، فرهنگ، سن و... الزامی است اما اینها نمی‌توانند در استقلال مترجم در فهم و درک و نوع خوانش و تأویل و تفسیر او از متن اصلی تأثیر گذارند و خلاقیت و فهم او را تحت الشعاع قرار دهند.

به دلیل دامنه‌ی محدود روش‌های عقل‌باور و اولویت نداشتن دیدگاه‌های ذهنیت‌گرا [در مورد ترجمه]، فریتس پیکه، ترجمه‌شناس آلمانی عقیده داشت که ترجمه به واسطه‌ی انجام فرایندهای خاص برگردان از متن اصلی به دست نمی‌آید؛ بلکه باید مبنا را بر فهم گذاشت و همچنین ترجمه یکی از کنش‌های تجربه‌محور انسان است. در اینجا، پرسش از فرایند فهم مترجم به عنوان فرد، در اولویت بررسی قرار می‌گیرد. «کسی که متن را ترجمه می‌کند، باید نخست آن را بفهمد» (۱۰). در اینجا سخن از هرمنوتیک به میان می‌آید. مباحث هرمنوتیکی در هر دو نوع ترجمه شفاهی و کتبی از دلالت‌های اساسی برخوردار است. در ادامه به شرح دلالت‌های هرمنوتیکی در ترجمه پرداخته می‌شود

دلالت‌های هرمنوتیکی

هرمنوتیک^{۱۲} از کلمه یونانی Hermeneuin به معنی «تفسیر کردن» مشتق شده است ریشه آن با کلمه هرمس (Hermes) خدای یونانی که هم خالق زبان و هم پیام آور خدایان بود پیوند دارد. این پیوند انعکاسی از ساختار سه گانه و سه مرحله ای عمل تفسیر است که عبارتند از: پیام (متن)، تفسیر مفسر (هرمس) و مخاطبان (۱۱). هرمنوتیک به معنای تأویل یا برگردان گفته ای به زبان قابل فهم و روشن برای

- زبان گردانی (رمز گردانی)^{۱۰}

^{۱۱} - Segmentation
^{۱۲} - heremeneutic

مخاطب تعریف شده است (۱۲). کوشش هرمنوتیک سنتی معطوف به فن و هنر تفسیر متن بوده است "در حیطه معرفت شناسی"، اما هرمنوتیک جدید در پی "هستی شناسی خود فهم" و تبیین روند شرایط حصول فهم است.

از دیدگاه شلاپرماخر قاعده‌ی کلی هرمنوتیک آن است که هر اندازه کلیت از روی اجزای آن قابل فهم باشد، به همان نسبت نیز اجزا را تنها از کلیت و در بافت آن می‌توان فهمید (۱۳). پیکه همین اندیشه را در مورد فهم متون برای ترجمه به کار می‌برد: «در این مورد، محتوای مجموع متن در برابر تک‌واژه‌ها از اولویت برخوردارست و میزان آزادی مترجم در انتقال آن، نه در یکسانی متن و ترجمه؛ بلکه در دقت ترجمه مشخص می‌شود...» (۱۴).

به دلیل دامنه‌ی محدود روش‌های عقل‌باور و اولویت نداشتن دیدگاه‌های ذهنیت‌گرا [در مورد ترجمه]، فريتس پیکه، ترجمه‌شناس آلمانی (۱۴) عقیده داشت که ترجمه به واسطه‌ی انجام فرایندهای خاص برگردان از متن اصلی به دست نمی‌آید؛ بلکه باید مبنا را بر فهم گذاشت و همچنین ترجمه یکی از کنش‌های تجربه‌محور انسان است. در اینجا، پرسش از فرایند فهم مترجم به عنوان فرد، در اولویت بررسی قرار می‌گیرد. کسی که متن را ترجمه می‌کند، باید نخست آن را بفهمد (۱۴). در فهم متن، همواره، روندی شبیه به کاربرد متن مورد فهم در وضعیت کنونی تفسیرگر آن اتفاق می‌افتد. بنابراین مسأله‌ی پیش روی هرمنوتیک، کاربرد متن‌ها در وضعیت خواهد بود (۱۵). ترجمه، عبارت است از چنین "کاربردی"، و به عنوان کنشی میانجی‌گرانه بین زبان‌های مبدأ و مقصد، به وجود یک فرد نیاز دارد. «این فرد در جایگاه مترجم متنی را در دسترس ما قرار می‌دهد و این در حالی است که او متن را به خواننده نزدیک می‌کند و به واسطه‌ی ملموس ساختن آن برای خواننده، متن را در ذهن وی می‌نشانند. در این دیدگاه، ترجمه تمامی گستره‌ی متن را به روی خواننده می‌گشاید و آن را به وی می‌شناساند، و اگر هنگام برگردان متن، هر بار به واسطه‌ی طرحی تازه‌تر، از ترجمه‌ی به دست آمده تا آن لحظه، صرف نظر شود؛ پس از بررسی آزمایش گونه‌ی تمامی امکان‌های زبانی است که ترجمه حاصل می‌شود» (۱۳). به این ترتیب، مترجم خود را تماماً وارد کنش میانجی‌گری می‌کند. او می‌کوشد پیام متن را از آن خود کند و در این حین، آشکار می‌شود که فهم متن تا چه حد زیادی، به پیش‌دانسته‌های موجود مترجم بستگی دارد. به همین دلیل، مترجم بدون داشتن دانسته‌های پایه‌ای از دانش فرهنگی و تخصصی موضوع ترجمه به نتیجه نخواهد رسید. او باید آن‌چه را در گام نخست به شکل قریحی درک کرده، در مرحله‌ی بعد از راه ساختارهای متن توضیح بدهد.

ترجمه، همواره در جست‌وجوی ترکیب‌های مربوط در زبان دیگر است. فهم و ترکیب‌سازی در ترجمه همواره باید متوجه کلیت متن باشد و متن مبدأ و مقصد همواره به مثابه‌ی یک مجموعه با یکدیگر دارای نسبت مطابقت هستند. منظور از مطابقت، مشارکت هر دو متن در حقیقت مشترک پیام متن است. در ترجمه، واحدی که در قسمت خاصی از متن مبدأ بوده، در متن مقصد در جای دیگری قرار می‌گیرد. از دیدگاه هرمنوتیک این امر چندان مهم نیست که ترجمه‌ای واژه به واژه یا خلاف آن صورت گرفته است. مهم و تعیین‌کننده، کلیت متن است.

بر اساس نظر فوکو که معتقد به مرگ مولف است (۱۶)، می‌توان از منظری دیگر به رویکرد هرمنوتیکی در ترجمه نگریست. رویکرد گادامر این است که فهم در اثر پیوند افق‌ها حاصل می‌شود؛ یعنی اتحادی میان دیدگاه خواننده (در اینجا مترجم) و دیدگاه تاریخی متن (گفتار انسان) بوجود می‌آید و کار هرمنوتیک، اتصال افق‌ها و برقرار کردن نوعی دیالوگ و هم‌سخنی ما با جهان دیگر است و در این صورت، فهم درست و نادرست در مکتب گادامر وجود ندارد و منشا اختلاف تفاسیر، همین استناد به پیش‌فرض‌ها، پیش‌دوری‌ها و انتظارات مفسر است. به عبارت دیگر، ما هیچ موضوع یا متنی را فارغ از پیش‌دوری‌ها و پیش‌فرض‌ها نمی‌فهمیم (۱۵). بنابراین می‌توان گفت که هرمنوتیک توسط گادامر مفسر محور شد و کار و وظیفه اساسی بر عهده محقق یا مفسر واگذار گردید. خلق به جای بازآفرینی، فراوانی معناهای خاص از متن، نامحدود بودن عمل فهم، و وجود نداشتن فهم برتر، از ویژگی‌های هرمنوتیک بر اساس نظر گادامر است. بر این اساس، می‌توان تفسیرهای مختلفی را از هر متن (تمامی اعمال و گفتارهای انسان) داشت که هیچ توجهی به وفاداری به نیت مولف ندارند و اصولاً نیت مولف در اینجا مطرح نیست و مفسر محوری در اینجا مورد تأکید است. علاوه بر این، بر پایه این نظر، مترجم این امکان را برای خوانندگان و مخاطبان نیز فراهم می‌آورد که تفسیرهای خود را نیز بسازند و در این فرایند تفسیر از جانب خود ممکن است پی به نکاتی ببرند و مواردی را دریافت نمایند که خود محقق نیز آنها را درک نکرده و به آنها پی نبرده است. این امر فرایندی هرمنوتیکی است که علاوه بر محقق، مخاطبان نیز در آن درگیرند.

بحث و نتیجه‌گیری

ترجمه کتبی و هم ترجمه شفاهی (هم‌زمان)، هر دو در یک نقطه مشترک‌اند و آن ارتباط برقرار کردن بین زبان‌های مختلف است. ترجمه و محاوره خواه به صورت شفاهی و خواه به صورت کتبی صورت گیرد باید قبول کرد که در درک بهتر بین زبان مبداء و مقصد مؤثر هستند. در این فرایند، مترجم به عنوان نقش میانجی‌گر دارای اهمیت اساسی است. هر چند وفاداری به متن اصلی، به نظر می‌رسد که مهمترین اصل در ترجمه باشد، اما مترجم در فرایند ترجمه نمی‌تواند به متن اصلی به طور کامل وفادار باشد و عوامل مختلفی از قبیل فرهنگ و تجارب زیسته وی در ترجمه او دخالت دارند، به نحوی که ممکن است ترجمه یک مترجم با مترجم دیگر در یک متن و گفتار با هم تفاوت داشته باشد. این امر نشان‌دهنده هرمنوتیکی بودن و نقش هرمنوتیکی در ترجمه است. بنابراین دلالت هرمنوتیک در هر دو نوع ترجمه شفاهی و کتبی باید مورد بررسی و توجه قرار گیرد.

در هرمنوتیک، درک همواره از دیدگاهی نشأت می‌گیرد. محقق نمی‌تواند از پیش فهم‌ها و یا پیش‌داوری‌های خود که برآمده از عضویت در یک فرهنگ و استفاده از یک زبان است رها باشد. هر محقق بر اساس تجارب قبلی پیش‌فرض‌هایی را با خود به موقعیت پژوهشی وارد می‌نماید. در این میان آنچه مهم است اینست که محقق بایستی همواره در نظر داشته باشد که دخالت وی در ترجمه اصولی صورت گیرد. اساساً در ترجمه کتبی، دخالت محقق آگاهانه‌تر و فکورانه‌تر است. زیرا زمان بیشتری در ترجمه بر روی یک متن و تفکر بر روی آن صورت می‌گیرد. اما در ترجمه شفاهی به دلیل هم‌زمان بودن، این دخالت شکل ناآگاهانه به خود گرفته و در برخی اوقات مساله آمیز خواهد بود. زیرا به دلیل هم‌زمانی، فرصت اصلاح و اندیشه‌ورزی در زمینه نوع ترجمه انجام شده وجود نخواهد داشت.

مترجمان و دانشجویان مترجمی لازم است توجه داشته باشند که در ترجمه شفاهی و کتبی باید کلیت متن را در نظر بگیرند. به طور اساسی، یک تجزیه و تحلیل هرمنوتیکی موفق بایستی همه ابعاد متن را دربرگیرد (۱۲). علاوه بر این، در ترجمه باید به دلالت‌های دیگر هرمنوتیکی از قبیل خلاقیت و نوآوری، امتزاج افق‌ها، و موقعیت‌سنجی اهتمام ویژه‌ای داشت.

منابع

1. Gadamer, H. (1975) *Truth and Method* (2nd edn). New York: Continuum
2. Stolze, R. (2012). The hermeneutical approach to translation, *Vertimo Studijos*, vol 5: 21-35.
3. Shi, A. (2017). Hermeneutics and Translation Theory, Retrieved 20 March 2017 from Translationdirectory.com.
4. Parlog, A. C. (2011). Transformation literature: The hermeneutics of translation, *PROFESSIONAL COMMUNICATION AND TRANSLATION STUDIES*, 4 (1-2)
5. Kharmandar, M. A., and Karimnia, A. (2013). The fundamentals of constructing a hermeneutical model for poetry translation, *Social and Behavioral Sciences* 70 : 580 – 591
6. Шлейермахер, Ф. О разных методах перевода / Ф. Шлейермахер // Вестник Моск. ун-та. - 2000. - №2. - С. 128.
7. Васильев, Л.Г. Переводчик в коммуникативном пространстве / Л.Г. Васильев // Перевод как моделирование и моделирование перевода: сб. науч. тр. – Тверь, 1991. – С. 25-32.
8. Миньяр-Белоручев, Р.К. Общая теория перевода и устный перевод / Р.К. Миньяр-Белоручев. – М.: Воениздат, 1980. – 36 с.
9. Гарбовский, Н.К. Курс устного перевода. Французский язык – русский язык / Н.К. Гарбовский, О.И. Костилова. - Изд-во Моск. ун-та, 2006. – 8 с.

10. Paepcke, Fritz (1986): Im Übersetzen leben. Übersetzen und Textvergleich. Tübingen: Narr.
11. ریخته گران، محمدرضا (۱۳۷۸). *منطق و مبحث علم هرمنوتیک*، چاپ ششم، تهران: صراط.
12. احمدی، بابک (۱۳۸۰). *ساختار و تاویل متن*، تهران: نشر مرکز.
13. Schleiermacher, Friedrich D. E. (1838/1977): Hermeneutik und Kritik. Hrsg. von Manfred Frank. Frankfurt a.M.: Suhrkamp.
14. Paepcke, Fritz (1986): „Übersetzen zwischen Regel und Spiel“. In: Klaus Berger / Hans- Michael
15. حقیقی، شاهرخ (۱۳۷۹). *گذر از مدرنیته*، تهران: نشر آگه.
16. Mcleod, J. (2001). *Qualitative Research in Counseling and Psychotherapy*, London: Sage Publications.